

International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS ۲۰۲۱)

The school of Shahid Soleimani, the outcome of the school of the Imams of the Revolution

Mohammad taghi rokni lamouki^۱

مکتب شهید سلیمانی، برآیند و برونداد مکتب امامین انقلاب

محمد تقی رکنی لموکی^۲

چکیده:

برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، معرفی الگوی های مناسب رفتاری در تمام عرصه ها، ضرورتی غیر قابل انکار است. تلاش های شهید سلیمانی در طول چهار دهه، به ویژه در عرصه فرماندهی در دفاع مقدس و مقاومت اسلامی، او را به الگوی بی بدیل تبدیل کرده است. بنابراین، بررسی مکتب شهید قاسم سلیمانی به عنوان مکتبی پیش بر در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، و الگو سازی آن برای الگو قرارگیری از سوی فرماندهان و مدیران به ویژه نسل جوان از ضرورت های بنیادین جامعه امروز ماست. به همین منظور این تحقیق با هدف معرفی الگوی مکتب شهید قاسم سلیمانی سامان یافته است که با بررسی کتابخانه ای در زندگینامه، سخنرانی ها، و وصیت نامه این شهید والامقام، با بهره گیری از تحلیل محتوا، بسترهای فکری، عقیدتی و رفتاری این مکتب مشخص شده و در نهایت این نتیجه حاصل آمد که مکتب شهید سلیمانی یک مکتب مستقل نیست، بلکه برآیند و برونداد «مکتب امامین انقلاب» بوده، در یک سلسله طولی به «مکتب حضرات معصوم (ع)» و به واسطه ایشان به «مکتب اسلام» وصل است. در همین راستا پیشنهاد می شود فرماندهان نظامی و مدیران عالی از ویژگی هایی مکتب شهید سلیمانی که در راس قله آن تبعیت محض از مولفه ها و اصول مکتب امامین انقلاب است، تأثیر بیشتری بپذیرند؛ برای شناخت دقیق تر مکتب شهید سلیمانی ضروری است پژوهشگران این عرصه ماهیت، اصول و مبانی این مکتب را شناسایی کرده، الگو صحیح برای تحقق تمدن نوین اسلامی قرار دهند؛ با تشخیص موردی اصول و مولفه های مکتب شهید سلیمانی و مقایسه آنها با اصول و مولفه های مکتب امامین انقلاب، معاندان را از انحراف در گفتمان انقلاب اسلامی مایوس کنند؛ در انتخاب و ارزیابی کارگزاران نظام اسلامی، و نیز در طراحی نظام تربیتی نسل جدید، اصول و مولفه های مکتب شهید سلیمانی را محور اصلی قرار دهند.

کلید واژه ها: مکتب، امامین انقلاب، شهید سلیمانی، اسلام، جهاد.

^۱ Assistant Professor of Imam Sadegh (AS) Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran.

^۲ استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، قم، ایران. rokni44@yahoo.com

مقدمه

مجاهدات‌های شهید سلیمانی در عرصه‌های مختلف به ویژه عرصه مقاومت اسلامی با خیر و برکت عظیم همراه بوده و به الگوی جهانی تبدیل شده است و او را به عنوان قهرمان و سیدالشهدای جبهه مقاومت اسلامی تبدیل نموده، و این مهم به دلیل برخورداری از مبانی فکری، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی محکم، منسجم برگرفته از مبانی امامین انقلاب اسلامی و همت والا و خستگی ناپذیر او در تهذیب نفس و از خودگذشتگی است.

باور شهید سلیمانی به توحید و مراتب آن، کرامت انسانی و ارزش‌های الهی و ملموس کردن هریک از اینها در زندگی مؤمنانه و مجاهدانه سرشار از اخلاص او، موجب محبوبیت وی نزد خدا و بندگان حق جو او گردیده است و به دستاوردهای او در مسیر پاسداری از اسلام و انقلاب و نظام اسلامی برکت داده است. اما اکنون ممکن است دست‌های تحریف‌گر بخواهند مکتب شهید را برای نسل‌های آینده وارونه جلوه دهند و طور دیگری معرفی کنند. بنابراین، جهت برون رفت از این احتمالات، لازم است شخصیت شهید سلیمانی مستند سازی شود و ابعاد مختلف آن بررسی گردد. زیرا این شهید والا مقام می‌تواند به عنوان یک الگوی اثر گذار به ویژه در بُعد مدیریت جهادی در جبهه مقاومت مطرح شود. یکی از راه‌های شناخت مکتب شهید سلیمانی، عیارسنجی آن در تراز منظومه فکری امامین انقلاب که ما در این پژوهش از آن به «مکتب امامین انقلاب» یاد می‌کنیم، می‌باشد. از آنجایی که تمام ابعاد مکتب شهید سلیمانی در یک مقاله نمی‌گنجد، تحقیق پیش رو، در نظر دارد چگونگی و چرایی اشتراک این مکتب را با مکتب امامین انقلاب، بررسی نماید.

مبانی نظری

مکتب؛ مکتب در لغت عبارت است از مدرسه و محل درس خواندن. (عمید، ۱۳۷۷: ۲، ۱۳۷۷) اما در اصطلاح مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی که می‌تواند الگویی برای دستیابی کمال و سعادت انسان‌ها گردد. شهید مطهری در تعریف مکتب می‌نویسد:

[مکتب] یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و مکتب، منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲، ۵۷)

مکتب شهید سلیمانی؛ مکتب شهید سلیمانی برآیند و برون‌داد نرم‌افزاری جهان‌بینی شهید سلیمانی است که به آن باور داشت. جهان‌بینی یعنی نگاه و نگرش کلی که انسان از جهان و هستی دارد و با آن نگرش،

جهان و هستی را تفسیر می‌کند. ۱. با این وصف، مکتب تربیتی شهید سلیمانی - از حیثی که جامع صفات و ویژگی‌های الهی است - خروجی و برون‌داد جهان‌بینی الهی است. یعنی شهید سلیمانی با نگاه و نگرش الهی به جهان و انسان، مکتب و مدرسه‌ای بنا نهاده است که همه شئون زندگی دنیوی و اخروی را می‌توان از آن استخراج نمود. از این رو، می‌توان گفت مکتب شهید سلیمانی هم از حیث سلوک فردی و هم از حیث سلوک اجتماعی غنی است. یعنی با جستجو در حالات فردی و اجتماعی شهید سلیمانی می‌توان به موارد فراوانی از خوبی‌ها دست یافت که در کنار هم قرار گرفتند و همگی می‌توانند الگو دهنده و درس آموز باشند. نکته اساسی در شناخت مکتب شهید سلیمانی آنکه نباید نگاه به این مکتب، همچون نگاه به مکاتب فلسفی یا عرفانی و غیره باشد. چرا که سردار دلها، دارای مَشْرَب و سبک فلسفی یا عرفانی یا غیره به شکل مصطلح آن نبود. او تربیت یافته مکاتب بالا دست، یعنی «مکتب اسلام» و «مکتب امامان معصوم (ع) و پیامبر اکرم (ص)» و «مکتب امامین انقلاب» بود. لذا می‌توان مولفه‌ها و اصول مکاتب بالادست را در گفتار و رفتار این شهید گرانقدر، پی جست و آنرا به عنوان الگویی کارآمد برای آحاد جامعه معرفی کرد.

مبانی؛ لغت شناسان مبانی را جمع مبنی به معنی بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳، ۲۰۱۱۲؛ انوری، ۱۳۸۱: ۷، ۶۶۰۳) آنان این واژگان را با کلمات همچون اصل، قاعده، ضابطه مترادف شمرده‌اند. به نظر می‌رسد کلمه مبانی به تدریج در استعمال محققان علوم به حوزه پیش فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است. (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۲۵ و ۲۶).

اصول: جمع اصل می‌باشد و به معنا اساس و پایه چیزی آمده است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۴، ۱۸) مراد این نوشتار از اصول، قواعد و قوانین پایه‌ای است که هر مکتب بر آنها استوار شود. مولفه؛ از ریشه «ألف» به معنی اجتماع یا پیوستن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱، ۸۱) و در این نوشتار به معنا عناصر یا اجزاء تشکیل دهنده یک مکتب به کار رفته است. برآیند؛ واژه برآیند از واژگان تازه تاسیس در زبان فارسی است و معنا آن حاصل، منتج، نتیجه می‌باشد. (خداپرستی، ۱۳۷۶: ۳۶)

برون‌داد؛ این واژه نیز از اصطلاحات جدید در زبان فارسی و مترادف با معنا خروجی، بازده و حاصل می‌باشد. (خداپرستی، ۱۳۷۶: ۱۳۴). این واژه که متضاد واژه درون‌داد^۳ است، از طرف فرهنگستان لغت در

ابتدا استفاده در علوم رایانه و فناوری اطلاعات به کار رفته و معنا اطلاعات تولید شده به وسیله برنامه رایانه‌ای می داد. (ر.ک تارنمای واژه یاب، واژه برونداد) اما به تدریج در علوم مختلف به کار رفته و معنا نتایج حاصل شده از روند یک نوع تفکر یا عملکرد را یافته است.

پیشینه شناسی

پیرامون شخصیت سپهبد قاسم سلیمانی به ویژه بعد از شهادت ایشان، در قالب کتاب، مقاله، جزوه و سخنرانی، پژوهش بسیار انجام گرفته است. اما در باره موضوع نوشتار حاضر، یعنی شناخت ماهیت مکتب شهید سلیمانی و نیز شناخت نسبت این مکتب با مکتب امامین انقلاب، تا زمان تدوین این پژوهش، کمتر کار جدی و مستقل شده است. آنچه پژوهش های قبلی ارائه داده اند، عبارت باشد از:

الف. بررسی ابعاد شخصیت شهید سلیمانی، همچون بعد فرماندهی، مدیریتی، معنوی و غیره. برای نمونه: نشریه علمی «مدیریت اسلامی» چاپ دانشگاه جامع امام حسین (ع) مقالاتی پیرامون شهید سلیمانی به چاپ رسانده که بیشتر در باره مدیریت و فرماندهی شهید می باشد. مانند مقاله «تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی» نوشته حسین دهقانی پوده و امین پاشایی هولاسو در سال ۱۳۹۹ و مقاله «ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهبد قاسم سلیمانی» نوشته شده توسط محمد محمد ظاهری در سال ۱۳۹۹، مقاله «کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی» نوشته سعدالله زارعی چاپ مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام در سال ۱۳۹۸ که بیشتر پیرامون مجاهدت های شهید سلیمانی بحث می کند.

ب. بررسی سخنان و وصیتنامه او، ذکر خاطرات شهید و دوستان او از دورانی که با شهید سلیمانی بوده اند. برای نمونه کتاب «برادر قاسم» به قلم ابوذر مهروان فر که مجموعه ای از سخنان شهید سلیمانی را گردآوری کرده و در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسید است. نمونه دیگر از این دست، کتاب «حاج قاسم» به کوشش علی اکبری مزد آبادی است که جستاری در خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی بوده و در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. کتاب «این مرد پایانی ندارد» نوشته سید علی بنی لوحی در سال ۱۳۹۸ از جمله کتاب های پر تیراژی است که به زندگینامه شهید سلیمانی پرداخته است.

ج. برخی پژوهش ها در باره شهید سلیمانی که واژه «مکتب» را در عنوان اثر خود بکار برده اند اما به مفهوم کلاسیک، در باره مکتب شناسی شهید سلیمانی اقدامی نکرده اند. برای نمونه محمد جواد رودگر در سال ۱۳۹۹ کتابی در باره حالت معنوی شهید با عنوان «سلوک در مکتب شهید سلیمانی» نگاشته است که بیشتر مطالب کتاب شرح و بسط طریق سلوک الی الله است. نویسنده در هر قسمت از کتاب خود، برای ارتباط موضوع با شهید سلیمانی، نام ایشان را هم به عنوان مصداق اتم آن مبحث، آورده است. نمونه دیگر علی شیرازی در سال ۱۳۹۹ کتابی با عنوان «شاخص های مکتب شهید سلیمانی» به رشته

تحریر در آورده است. نویسنده وجوه شخصیتی شهید را مورد بررسی قرار داده است. پژوهش دیگر که توسط موسسه جوانان آستان قدس رضوی با عنوان «مکتب سلیمانی» در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. این اثر بیشتر جنبه اداء دین به این شهید والامقام دارد تا شناخت مکتب او. نویسنده یا نویسندگان کتاب یاد شده در بخش های مقدماتی به توضیح جایگاه شهید و شهادت در دین اسلام پرداخته، سپس مطالبی درباره بیست شهید انقلاب و دفاع مقدس نگاشته است. مقدار بسیار کمی از این کتاب به شخصیت شهید سلیمانی اختصاص یافته است.

با توجه به مطالب بالا و با استناد به تحقیقاتی که به عمل آمد، پژوهش مستقلی که به چستی مکتب شهید سلیمانی و نیز بررسی نسبت سنجی این مکتب با مکتب امامین انقلاب پردازد، یافت نشد. به عبارت دیگر پژوهشگران این حوزه تاکنون تحقیقی از منظر مکتب شناسی و نیز نسبت سنجی مولفه های مکتب شهید سلیمانی با مکتب امامین انقلاب و مکاتب دیگر در منظومه مکاتب موجود در تعالیم دینی نداشته اند؛ بلکه بیشتر به ابعاد شخصیت خود شهید پرداخته اند. از این رو، در این پروژه به بررسی ماهیت مکتب شهید سلیمانی و ارتباط آن با مکتب امامین انقلاب پرداخته شده است.

روش پژوهش

از آنجایی که هدف اصلی این پژوهش شناخت ماهیت مکتب شهید سلیمانی و نسبت سنجی آن با مکتب امامین انقلاب است، روش آن هم بررسی کتابخانه ای و نرم افزاری از مولفه ها و اصول بنیادین این مکتب بر اساس جمع آوری، واکاوی و تحلیل رفتار و گفتار شهید سلیمانی و سپس مقایسه آن با مکاتب بالادست همچون مکتب امامین انقلاب است. این پژوهش از آن جهت که در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی، نگاهی جدید از مکتب سردار دلها به دست می دهد، پژوهشی بنیادین است و از آن جهت که قابل الهام بخشی و الگو دهی به شیفتگان و دوستان این شهید والامقام است، جنبه کاربردی دارد.

چیستی مکتب شهید سلیمانی

مکتب شهید سلیمانی الگویی فکری و عملی، برخاسته از نگرش شهید سلیمانی به عالم هستی است. شهید سلیمانی با نگاه و نگرش الهی به جهان و انسان، مدرسه تربیتی بنا نهاده است که همه شئون زندگی دنیوی و اخروی را می توان از آن استخراج نمود. با این وصف، می توان گفت مکتب شهید سلیمانی هم از حیث سلوک فردی غنی است و هم از حیث سلوک اجتماعی. یعنی با جستجو در حالات فردی و اجتماعی شهید سلیمانی می توان به موارد فراوانی از خوبی ها راه یافت که در کنار هم قرار گرفته اند و همگی می توانند الگو دهنده و درس آموز باشند. به عبارت روشن تر چنین می توان بیان نمود که شهید سلیمانی بین جهاد و شهادت، عرفان و حماسه، سلوک و سیاست جمع کرده است و بین درد خدا و درد

خلق خدا و همچنین بین درون و بیرون نیز هماهنگی‌های لازم را برقرار نموده است. (رودگر، ۱۳۹۹: ۷۷)
مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس‌آموز، با این چشم نگاه کنیم.
(امام خامنه‌ای، خطبه‌ها، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

تعبیر واژه «مکتب» راه و مدرسه از طرف امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) برای شخصی همچون شهید سلیمانی
دربردارنده ظرافت‌های برجسته و قابل توجهی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. توصیف شهید سلیمانی به «مکتب»، وی را از فرد انگاری و یا شخص انگاری خارج می‌کند و او را
تبدیل به «مرام، عقیده و مسلک» می‌نماید.

۲. فلسفه توصیف شهید سلیمانی به مکتب آن است که اندیشه و عمل وی حامل پیام و نظریه‌ای است که
جنبه نظری و تئوریک دارد و با واکاوی و تحلیل و الگوگیری از آن می‌توان به اداره آینده جهان
پرداخت و آن را عملیاتی نمود.

۳. مکتب شهید سلیمانی از سنخ اندیشه و فرهنگ بالنده و ماندگار است که در گذر تاریخ استمرار می‌یابد
و مهم آن است که آیندگان چگونه از این فرهنگ و اندیشه ناب استفاده نمایند.

۴. مکتب شهید سلیمانی، فرهنگی است که در محدوده گروه‌ها و جریان‌های سیاسی محصور نمی‌شود.
این فرهنگ از سنخ فرهنگ انقلابی، ایثار، شهادت و محبت است که در دایره عشق، اتحاد، دلدادگی و
عرفان می‌گنجد.

۵. مکتب شهید سلیمانی فرامرزی است، همه مرزها را درمی‌نوردد و در اعماق افکار و اندیشه انسان‌های
آزادی‌خواه و حق‌طلب رسوخ کرده و آنان را متحول می‌سازد.

۶. مکتب شهید سلیمانی همواره روش‌مند و همراه با رویش و زایش است؛ روشی که در آن خودسازی و
دیگرسازی وجود دارد. تحول‌گراست، تحول از فردیت به جمعیت، از تک‌روی به جمع‌گرایی از مادیت
به معنویت و مانند آن. مکتب شهید سلیمانی از درون خود پیام‌های ناشنیده فراوانی دارد که همگان باید
خود را برای شنیدن آن آماده سازند. (رشادتی، دیدگاه، ۱۳۹۸/۱۲/۳)

۷. مترادف دانستن واژه «مکتب» با واژه «راه» و «مدرسه» در کلام امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
حکایت از آن دارد که معظم له در اینجا مرادشان از «مکتب»، اصطلاح عام آن نیست، بلکه مرادشان
برجسته کردن الگو تربیتی شهید سلیمانی است که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

اهمیت مکتب شهید سلیمانی

در دهه‌های اخیر در جهان اسلام به ویژه منطقه غرب آسیا که کشور ما را نیز در بر می‌گیرد، حوادث
مهمی رخ نموده است. دخالت حداکثری غربی‌ها در این منطقه و راه‌اندازی نزاع و جنگ از جمله این

حوادث است. این دخالت به منظور کسب منافع بیشتر از ذخایر کشورهای منطقه، تقویت رژیم صهیونیستی و مهار جبهه مقاومت صورت می گیرد. ترویج تفکر وهابی - سلفی و در پی آن ظهور گروه های رادیکال اسلامی، همچون گروه تکفیری - تروریستی داعشی و جبهه النصره که موجب اسلام هراسی شده است، از اثرات حضور و دخالت دولت های غربی در منطقه است.

مجموع این شرایط و خطرات پیش رو، ضرورت ایستادگی و مقاومت جبهه حق و اسلام اصیل را در مقابل دشمنان دو چندان می کند. بدین منظور اهمیت مکتب شهید سلیمانی آشکار می شود. چرا که جز در سایه مکتب شهید سلیمانی که الهام یافته از مکتب امامین انقلاب اسلامی است، مقاومت در مقابل این حوادث میسر نخواهد شد. شهید سلیمانی با توجه به ویژگی های خود توانسته بود جوانان منطقه را علیه اهداف و عوامل دشمنان مانند تکفیری های تا دندان مسلح بسیج نماید و آنان را ناکام بگذارد. این همت بخشی از اهمیت این مکتب را به نمایش می گذارد. اما بخش دیگر آن که به نظر می رسد مهم تر از این باشد، اهمیت در الگو شدن این مکتب برای تربیت و تعالی بخشی آینده وسیع انقلاب اسلامی است؛ زیرا وقتی انقلاب اسلامی ایران گام اول خود را با موفقیت پشت سر گذاشت و وارد گام دوم گردیده است. بطور طبیعی برای پیشبرد این گام و تحقق تمدن نوین اسلامی نیاز به الگو و سرمشق جهادی و الهی دارد. از این رو، مکتب تربیتی شهید سلیمانی می تواند الگوی مناسب و درس آموزی برای همه مدیران، راهبران و دست اندرکاران گام دوم انقلاب اسلامی باشد؛ زیرا الگوپذیری از مکتب تربیتی شهید سلیمانی، ما را در پیشبرد گام دوم کمک خواهد کرد و به تحقق تمدن نوین اسلامی سرعت بیشتری خواهد بخشید. بنابراین، فقط با مشی و مکتب تربیتی شهید سلیمانی و امثال آن است که می توان ابزارهای تمدن ساز را فراهم کرد و افراد را جهت تحقق تمدن نوین اسلامی تربیت نمود. از همین جهت گفته می شود یکی از اهداف مکتب تربیتی شهید سلیمانی رسیدن به تمدن نوین اسلامی است؛ زیرا مکتب شهید سلیمانی نشأت گرفته از مکتب امامین انقلاب است و هدف مکتب آن دو امام بزرگوار تحقق تمدن نوین اسلامی است.

نسبت سنجی مکتب شهید سلیمانی با مکتب امامین انقلاب

برای تحقق هر مکتب مستقل، در معنا اصطلاحی آن، نیاز به برخورداری آن مکتب از ویژه گی های خاص است. از جمله این ویژه گی ها داشتن جهان بینی و ایدئولوژی خاص و متمایز از سایر مکاتب؛ باید و نبایدها، اصول و مبانی خاص؛ اهداف الهام بخش خاص و نیز یقین تحقق به اهداف در صورت تبعیت از مبانی و اصول است.

با عنایت به این ویژه گی ها چنین استنباط می شود، که مکاتب مختلف برای اثبات اصالت خود، باید در چارچوب اصول مورد اشاره، حرفی نو برای گفتن داشته باشند. بدیهی است اگر مکتبی، حرف نو برای

گفتن نداشته باشد و فقط حرف های گذشته را در قالب و قواره جدید ارائه نماید، اگر چه سبب ادامه حیات مکتب پیش از خود می شود، اما در هر حال نمی توان چنین مکتبی را مستقل نامید. با توجه به حقیقت بالا، این سوال پیش می آید که آیا مکتب شهید سلیمانی یک مکتب مستقل با جهان بینی، ایدئولوژی، مبانی و اصول خاص بوده است یا نه مکتب این شهید والامقام وابسته به مکتب دیگری است؟ پاسخ آن است که شهید سلیمانی در طول زندگی خود هیچ گاه اعلام نکرده بود که جهان بینی، ایدئولوژی مختص به خود دارد؛ بلکه حیات و ممات او برگرفته از آموزه های مکتب امامین انقلاب بود. او چیزی غیر از مبانی و اصول مکتب امامین انقلاب را بر نمی تافت. با این وصف، اگر گفته می شود مکتب شهید سلیمانی، مراد مکتب مستقل نیست، بلکه برآیند و بروندادی از مکتب امامین انقلاب است. چنانکه مقام معظم رهبری (حفظه الله) در پی شهادت سردار سلیمانی می فرماید:

او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود. (امام خامنه‌ای، پیامها، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸)

این جمله رهبر فرزانه انقلاب (حفظه الله) دو حقیقت مهم پیرامون مکتب شهید سلیمانی را آشکار می سازد:

الف. مکتب شهید سلیمانی چیزی جدای از مکتب امام خمینی (ره) نیست و از آنجایی که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) خود را ادامه دهنده راه امام خمینی (ره) می داند، پس مکتب شهید سلیمانی چیزی غیر از مکتب امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز نمی باشد.

ب. در میان تمام مبانی مکتب امامین انقلاب، آنچه در مکتب شهید سلیمانی بیشترین ظهور و بروز را پیدا کرده است، صبغه جهادگری در راه خدا و مبارزه مستقیم با دشمنان دین می باشد. چنانکه مقام معظم رهبری (حفظه الله) عبارت «او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند» را در جمله بالا بیان داشتند. این سخن به معنا انکار سایر مبانی مکتب امامین انقلاب در مکتب شهید سلیمانی نیست، بلکه به معنا برجستگی جهادگری در شخصیت شهید بزرگوار است.

اما مطلب به اینجا ختم نمی شود؛ چرا که وقتی عمیق تر به ماهیت مکتب امامین انقلاب نیز می نگریم، مجدداً دچار این پرسش می شویم که مکتب امامین انقلاب که خود قابلیت باز تولید مکاتب پایین دست را دارد، آیا مکتبی مستقل با مبانی و اصول خاص هست، یا آنکه مکتب امامین انقلاب نیز ماهیت خود را از مکاتب با دستی گرفته است.

با ملاحظه ماهیت مکتب امامین انقلاب، آشکار می شود که مکتب این بزرگواران نیز در گستره وسیع تر، وابسته به مکاتب بالادست همچون مکتب پیامبر اعظم (ص)، و مکتب اهل بیت پیامبر (ع) می باشد.

به عبارت دیگر، حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه ای (حفظه الله) با اقتدا به مکتب حضرات معصوم (ع) و پیوند معرفتی و معنوی شگفتی که با ایشان برقرار کردند، مکتب خود را بنا نمودند. معصومان (ع) انسان‌های کاملی هستند که سراسر زندگی‌شان برای عموم مسلمانان جهان الگو و درس است. قرآن کریم درباره رسول اکرم (ص) که یک انسان کامل و نمونه در عالم خلقت بشریت است و تمام خصوصیات یک انسان، رهبر، حاکم و مدیر جامعه را از تمام ابعاد داراست، می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب / ۲۱)

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

امام خمینی (ره) خود نیز به این حقیقت معترف است. آنجا که در این باره می‌فرماید:

اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان بحق بعد از آن حضرت بیان فرموده اند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۵، ۳۸۷)

خودسازی و اصلاح درون خویش، مبارزه با ظلم و حاکمان ستمگر، استقامت و پایداری در راه ابلاغ رسالت الهی، هدایت نمودن مردم به سوی حق، تحمل رنج‌ها و سختی‌ها، نهراسیدن از دشمنان اسلام، دخالت در سیاست، تلاش برای تشکیل حکومت و اجرای احکام الهی از جمله مسائلی است که می‌توان نام مکتب حضرات معصوم (ع) بر آن نهاد که خواص حق، خود را ملزم به پیروی از آن می‌دانند و با تاسی به سیره آن بزرگواران به انجام این عمل‌ها روی آوردند. مقام معظم رهبری (مدظله) نیز در این باره می‌فرماید:

ما که مفتخر به پیروی از فقه اهل‌بیت مکرّم هستیم و دین را - اصولاً و فروعاً - از آنها آموخته‌ایم نباید گمان کنیم که محبت اهل‌بیت، مخصوص ماست و نباید اشتباه کنیم و فکر کنیم که اهل‌بیت، فقط متعلق به ما هستند. اهل‌بیت متعلق به اسلامند؛ همچنان که جدشان نبی اکرم (ص)، متعلق به اسلام بود. اهل‌بیت متعلق به جهان و تاریخند؛ همچنان که جدشان نبی اکرم (ص)، متعلق به بشریت و تاریخ بود. (امام خامنه ای، بیانات، ۱۳۶۹/۳/۴)

نکته مهم در این میان آنکه مکتب حضرات معصوم (ع) نیز صاحب مکتب مستقل به معنا مصطلح آن نبودند؛ بلکه آنچه در طول حیات عزت آفرین خود عیان نمودند، بر گرفته از مکتبی بر مراتب گسترده تر و عام تر بوده است و آن مکتب اسلام است که از سوی خداوند تبارک و تعالی، یعنی برترین موجود عالم هستی، سرچشمه گرفته است و از آن بالاتر مکتبی نمی‌توان یافت. بنابر این، مکتب اسلام تنها منظومه فراگیری است که تمامی مکاتب پایین دست خود را با حفظ قدر و منزلت هر مرتبه ای نسبت به

مرتبہ پایین تر، پوشش می دهد و تنها مکتبی است که فوق آن، مکتب ارزشمند دیگری وجود ندارد. قرآن کریم می فرماید:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ (آل عمران / ۸۵) و هر کس غیر از دین اسلام را که کامل ترین و آخرین شریعت الهی است، قبول کند، به هیچ وجه در نزد خداوند از او پذیرفته نیست.

مکتب اسلام تنها مجموعه ای از جهان بینی و ایدئولوژی و مبانی و اصولی است که هویت مستقل دارد چون از ناحیه خالق هستی مقرر شده است. پس سایر مکاتب ارزشی تمام مبانی و اصول خود را مشروط به سعه وجودیشان، از آن وامدارند.

مکتب اسلام منظومه ای تحول پذیر

مکتب اسلام دارای مولفه های مختلفی است که نمی توانند به صورت انتزاعی و مجرد از سایر مولفه های دیگر مورد توجه قرار بگیرند. همچنین نمی توانند بدون توجه به شرایط و اقتضائات زمانه مورد استفاده قرار بگیرند. پس هر مولفه در مکتب اسلام باید با دو شاخصه مورد توجه قرار بگیرد:

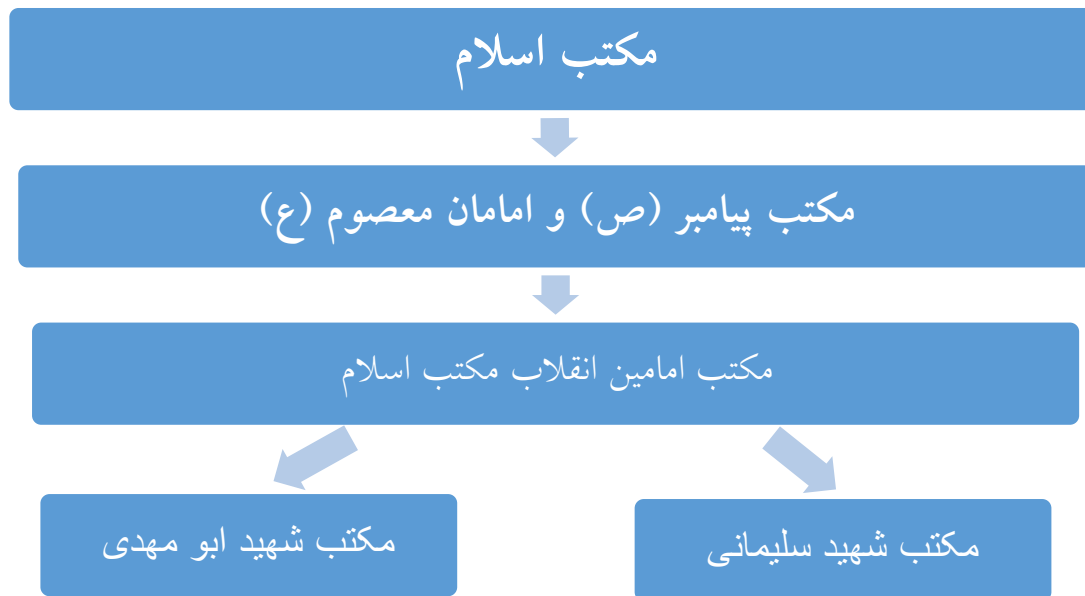
الف. جایگاه آن مولفه در میان سایر مولفه ها؛

ب. نسبت آن مولفه با نیازهای زمان.

با این توضیح چه بسا یک مولفه در یک مقطع زمانی از جایگاه مهم تر و نیاز بیشتری برخوردار شود که تشخیص اهمیت جایگاه و نیاز زمان را اجتهاد مستمر در مکتب مشخص می کند. پس در هر زمانی لزوم اجتهاد دائمی در مکتب اسلام آشکار می شود. به عبارت دیگر، مکتب اسلام منظومه ای تحول پذیر است که در هر دوره ای با حفظ جهان بینی و ایدئولوژی ثابت خود، ناظر بر اقتضائات زمانه، ظهور و بروز پیدا می کند. نام این ظهور و بروز را در هر دوره می توان مکتب نامید. اما نه به معنا مکتب با اصطلاح عام، بلکه مکتب به معنا خاص که ماهیت خود را به شکل طولی از مکاتب بالا دست و در نهایت از مکتب اسلام گرفته است. بر این اساس مکتب اسلام حکم مَقْسَم دارد برای اقسام مختلف مکاتب جزئی تر که آن مکاتب پایین دست، بر اساس ارزش و جایگاهی که دارند، به شکل طولی نسبت به هم در دوران مختلف جلوه گر می شوند. برای نمونه مکتب حضرات معصوم (ع) تحت مکتب اسلام و فوق مکتب امامین انقلاب قرار می گیرد. چنانکه مکتب امامین انقلاب فوق مکتب شهید سلیمانی قرار دارد. البته گاه یک «مکتب» می تواند در عرض مکتب دیگر قرار گیرد که در این صورت هر دو آنها تحت یک مکتب بالا دست قرار می گیرند. مانند مکتب شهید سلیمانی که می توان آن را هم عرض مکتب شهید مهندس ابو مهدی قرار داد و هر دو آنها را تحت مکتب امامین انقلاب نامید. چنین تحلیلی از فرمایشات مقام معظم رهبری (حفظه الله) نیز قابل استنباط است، چنانکه می فرماید:

اینکه ما بیایم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و بینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است؛ در صورتی تحقق پیدا می کند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. (امام خامنه ای، خطبه ها، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

در جدول زیر سلسله طولی مکاتب ترسیم شده است:



آنچه در جدول بالا به عنوان مکاتب در سلسله طولی آمده است، مثال های حداقلی برای تفهیم موضوع است. از این رو، تصور مکاتب دیگر تحت مکتب اسلام و مکتب پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع) قابل تصور می باشد که پرداختن به آنها از مجال این نوشتار خارج است. در تکمیل تحلیل بالا، یادآور می شود که در واقع و نفس الامر، مکتب که همان روح دین است، یکی است؛ چرا که دین حقیقی نیز یکی است. قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران/ ۱۹) دین در نزد خدا، اسلام است.

این مکتب واحد در سیر تحولی، مین اتلاب قرار می گیرد. چنانکه مکتب امامین انقلاب لی است که هویت مستقل دارد چون از ناجیخ خالق هستی مقررچهره های مختلف، متناسب با نیازهای بشریت و نیازهای زمانه، از خود ارائه می دهد. ممکن است جامعه اسلامی، در دورانی خاص بیشتر به رویکرد جهاد، شهادت، مقاومت و صبر توجه داشته باشد. از این رو، فضای جامعه هم بیشتر متوجه این بخش از مکتب اسلام خواهد شد. در دوره دیگر موضوع فرهنگ مطرح می شود، لذا جنبه های فرهنگی مکتب اسلام ظهور و بروز پیدا می کند. در دوره دیگر مسائل اقتصادی نیاز روز جامعه است که آموزه های اقتصادی مکتب اسلام مد نظر قرار می گیرد. در هر عصر و دوره، افرادی به واسطه تلاش خود، نماد هر یک از مولفه های مکتب اسلام خواهند شد و هر قدر سعه وجودی افراد وسیع تر باشد و تلاش شان گستره تر، نماد ابعاد مختلف مکتب خواهند شد. چنانکه حضرات معصوم (ع) آئینه تمام نمای مکتب اسلام بودند.

این همان معنای ارائه های مختلف از مکتب اسلام است که در حقیقت ناشی از اجتهاد در اسلام می باشد و اصل اجتهاد در اسلام به همین معناست. نوآوری در اسلام به معنای ایجاد یک چیز جدید که در اصل نبوده نیست؛ بلکه به معنای طراحی، بازتولید، چیش و صورت بندی نویی از اسلام متناسب با نیازها و پیش کشیدن عناصر مورد نیاز و عدم اولویت عناصر دیگر در هر زمان است.

از توضیحات بالا می توان نتیجه گرفت که ما برای ارزش گذاری افراد و جریان ها، قبل از ورود به هر موضوعی، باید به تلاش آن فرد یا جریان برای تحقق مولفه های مورد نیاز زمان در منظومه مکتب اسلام مراجعه بکنیم. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. هدایتی، دیدگاه، ۱۳۹۳/۱۲/۴)

البته پر رنگ شدن بخشی از مکتب اسلام در یک دوره، به معنای بی توجهی به بخش های دیگر مکتب در آن دوره نیست. بلکه بدان معنا است که ضمن حفظ و توجه به همه بخش های مکتب اسلام، اجتهاد و توجه ویژه به یکی از بخش ها، آنهم به دلیل نیاز روز، ضروری می نماید.

نکته دیگر آنکه هر مکتب بالا دست، نسبت به مکتب پایین دست خود، از عناصر و مولفه های کامل تر و شامل تر برخوردار است. یعنی رابطه دو مکتب، عموم و خصوص من وجه است. بدین معنا هر مولفه ای که در مکتب پایین تر هست، در مکتب بالاتر وجود دارد. اما تمام مولفه هایی که در مکتب بالاتر هست در مکتب پایین تر وجود ندارد، بلکه برخی از آنها در مکتب پایین تر موجود است. این برتری در مکتب اسلام نسبت به مکتب حضرات معصوم (ع) و نیز مکتب حضرات معصوم (ع) نسبت به مکتب امامین انقلاب و مکتب امامین انقلاب نسبت به مکتب شهید سلیمانی مشهود است. برای نمونه عناصر و مولفه هایی برتری در مکتب امامین انقلاب وجود دارد که در مکتب شهید سلیمانی وجود ندارد. مانند چگونگی حسن انجام وظایف ولایت فقیه که در مکتب امامین انقلاب وجود دارد، اما در مکتب شهید

سلیمانی نیست. نمونه دیگر عنصر عصمت، نصب از ناحیه خداوند و علم لدن که از مبانی اصلی مکتب امامان شیعه (ع) است. اما در مکتب امامین انقلاب نیست. یا دریافت و ابلاغ وحی الهی که در مکتب پیامبر خدا (ص) هست، اما در مکتب امامان شیعه چنین وظیفه ای نهاده نشده است. تحلیل بالا مبنی بر ارتباط مکاتب پایین دست با مکاتب بالا دست، در منظومه تحول پذیر مکتب اسلام، را می توانیم از

آیات قرآن هم برداشت کرد. چنانکه قرآن کریم می فرماید:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم/ ۲۴) آیا ندیدید خداوند چگونه کلمه‌ی طیبه و گفتار پاکیزه را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه‌ی آن در زمین ثابت و شاخه‌ی آن در آسمان است، میوه‌های خود را هر زمان به اذن پروردگارش می‌دهد و خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند شاید متذکر شوند.

خداوند در این آیه آن اصل و ریشه را به یک کلمه‌ی طیبه‌ای تشبیه کرده که ما از مکتب اسلام از آن یاد می‌کنیم سپس این ریشه که اصل آن ثابت است دارای فرع‌هایی است که در آسمان پراکنده هستند که میوه‌های خود را هر وقت کسی بخواهد اراده‌ی هدایت پیدا بکند به اذن پروردگار می‌تواند از این میوه‌ها استفاده بکند. در تفسیر این آیه، حدیثی وجود دارد که به شکل روشن‌تری موضوع بحث را بیان می‌کند و ما نیز می‌توانیم تحلیل‌مان را اثبات کنیم. فردی از اصحاب امام صادق (ع) سوال می‌کند که آیه شجره‌ی طیبه به چه معنا است؟ امام صادق (ع) می‌فرماید:

رَسُولُ اللَّهِ صَ أَصْلُهَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَرْعُهَا وَالْأَنْمَةُ مِنَ ذُرِّيَّتِهِمَا أَغْصَانُهَا وَ عِلْمُ الْأَنْمَةِ ثَمَرُهَا وَ شَيْعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ رَفْعُهَا هَلْ فِيهَا فَضْلٌ قَالَ قُلْتُ لَأَ وَاللَّهِ قَالَ وَاللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُؤَلِّدُ فُتُورِقُ وَ رَقَّةٌ فِيهَا وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَ رَقَّةٌ مِنْهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۲۸) پیامبر (ص) ریشه این درخت است و امیر مؤمنان علی ع شاخه آن، و امامان که از ذریه آنها هستند شاخه‌های کوچکتر، و علم امامان میوه این درخت است، و پیروان با ایمان آنها برگ‌های این درختند سپس امام فرمود: آیا چیز دیگری باقی ماند؟ راوی می‌گوید: گفتم نه، به خدا سوگند! فرمود: به خدا قسم هنگامی که یک فرد با ایمان متولد می‌شود برگی در آن درخت ظاهر می‌گردد و هنگامی که مؤمن راستین می‌میرد برگی از آن درخت می‌افتد.

وقتی به این آیه و حدیث یاد شده، دقیق نگریسته شود، می‌توان آنها را به سلسله طولی مکاتب تطبیق داد. یعنی مکتب رسول‌الله (ص) که همان مکتب اسلام است، ریشه این درخت طیبه، مکتب امامان معصوم (ع)، شاخه‌های آن، مکتب امامین انقلاب که به مثابه علم ناطق امامان (ع) هستند، میوه‌ها و مکتب شهید سلیمانی و امثال او که پیروان با ایمان، شمرده می‌شوند به مثابه برگ‌های این درخت طیبه می‌باشند. بنابراین، وقتی ما به محتوای مکتب شهید سلیمانی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که حکم برگ‌ها و ثمره‌ی این درخت تنومند را دارد که افراد دیگر و مشتاقان می‌توانند از این ثمره، بهره‌برداری بکنند.

اکنون و با این نگاه می توان مدعی شد که مکتب شهید سلیمانی برآیند و برون داد مکتب امامین انقلاب است و مکتب امامین انقلاب نیز برآیند و برون داد مکتب حضرات معصوم (ع) است که آن نیز در سلسله طولی به مکتب اسلام ختم خواهد شد. آن طور که پیش از این ذکرش گذشت، بالاترین نمودی که از سوی مکتب امامین انقلاب در مکتب شهید سلیمانی تجلی یافته است، مولفه جهاد در راه خدا است. اگر مولفه دیگر هم در شخصیت شهید یافت می شود، به نوعی تحت الشعاع مولفه جهادگری اوست. بدین معنا که او اگر مدیر بود، یک مدیریت جهادی داشت. اگر عارف بود، یک فرمانده عارف بود و اگر ولایت مدار بود یک نظامی ولایت مدار بود. چنانچه خود بیان می دارد:

حقیر سرباز صفر ولایت و نظام جمهوری اسلامی و ملت شجاع و عزیزتر از جانم بوده و انشاء الله با استعانت از خدای سبحان تا آخر عمر در همین جایگاه «سربازی» خواهم بود. (سلیمانی، بیانیه، ۱۳۹۵/۶/۲۵)

ناگفته نماند که برجستگی مولفه جهادگری در راه خدا، سبب نمی شود که سپهد قاسم سلیمانی، نقش الگو بودن در سایر ابعاد را نداشته باشد. رفتار و منش او به همگان خصوصا نسل جوان می آموزد که هر فرد در جامعه اسلامی با هر استعدادی که دارد، قادر است در راه تحقق مکتب امامین انقلاب که برگرفته از مکتب اسلام است، تلاش کند. دستداران شهید سلیمانی با مراجعه به زندگینامه، سخنان، وصیت نامه و خاطرات همزمان و نزدیکان او می توانند تلاش برای احیاء مولفه های اصلی مکتب امامین انقلاب را در جای جای زندگی این مجاهد فی سبیل الله بیابند. مولفه های همچون رسیدن به تمدن نوین اسلامی، زمینه سازی ظهور امام زمان (عج)، اعتقاد به نقش مردم در امور جامعه، اعتماد به نفس و خوداتکایی و امید به پیروزی، گرایش فرا جناحی در امور سیاسی، در هم تنیده بودن دین با سیاست، حفظ نظام اسلامی در هر شرایطی و عدالت اجتماعی.

نتیجه گیری و پیشنهاد

الف. نتیجه گیری

جامعه اسلامی پس از شهادت سپهد شهید قاسم سلیمانی از وجود سرمایه ای ارزشمند بی بهره شد. اما سیره و روش زندگی این مجاهد خستگی ناپذیر، مکتبی غنی را بنیان نهاد که می تواند به عنوان مکتبی همگانی و جهان شمول برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، الگو قرار گیرد. این پژوهش به منظور شناخت ماهیت مکتب شهید سلیمانی با بررسی کتابخانه ای در رفتار و گفتار و وصیتنامه شهید و همچنین با واکاوی مکتب امامین انقلاب و بهره گیری از روش تحلیل محتوا، مکتب این شهید و الامقام را بررسی کرده است که در نهایت نتیجه گرفته شد که محتوا و ماهیت چنین مکتبی، از مکتب امامین انقلاب تاثیرپذیر بوده و یک مکتب مستقل نیست. نوآوری این پژوهش نسبت به

پژوهش های پیشین، ارائه شناختی صحیح از ماهیت و ذات مکتب شهید سلیمانی است و اینکه به اثبات رساند این مکتب، برآیند و برون داد مکتب امامین انقلاب است. بدین ترتیب می توان در برابر این سوال اصلی که « مکتب شهید سلیمانی چیست و نسبت آن با مکتب امامین انقلاب کدام است؟ پاسخ داد: الف. مکتب به معنا مصطلح آن می تواند در مباحث مختلف مانند عرفان یا فلسفه مطرح شود. اما سنخ مکتب شهید سلیمانی، از سنخ مکتب تربیتی آن شهید والامقام با محوریت جهاد فی سبیل الله می باشد. ب. بر این اساس، وقتی گفته می شود مکتب شهید سلیمانی، مراد معرفی الگوی انسان ساز و شخصیتی ویژه است که حیات و ممات او می تواند برای دیگران درس آموز باشد. ج. مکتب شهید سلیمانی یک مکتب مستقل در مقابل مکتب امامین انقلاب نیست. بلکه برآیند و برون داد مکتب امامین انقلاب است و در یک نظام طولی به مکتب امامان معصوم (ع)، مکتب پیامبر اکرم (ص) و مکتب اسلام، وصل می شود. د. مولفه جهاد گری در مکتب شهید سلیمانی برجستگی بیشتری دارد؛ اما مکتب تربیتی آن شهید عزیز آنقدر غنی و درس آموز است که در آن استعداد های مختلف انسان برای دستیابی به کمال پرورش پیدا می کند. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۸)

پیشنهاد

۱. مسئولان، فرماندهان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، در سطوح مختلف، میبایست نسبت به تاثیر پذیری از اصول و مولفه های مکتب شهید سلیمانی اهتمام بیشتری داشته باشند.
۲. برای شناخت دقیق تر مکتب شهید سلیمانی ضروری است پژوهشگران این عرصه ماهیت، اصول و مبانی این مکتب را شناسایی کرده، به همه آحاد جامعه به ویژه مسئولان، مدیران و فرماندهان معرفی کنند تا نیاز آنان به الگو صحیح برای تحقق تمدن نوین اسلامی برطرف گردد.
۳. با تشخیص جزء به جزء اصول و مولفه های مکتب شهید سلیمانی و مقایسه آنها با اصول و مولفه های مکتب امامین انقلاب، می بایست تحقیق بیشتری پیرامون اثبات تطابق داشتن این دو مکتب بشود تا در آینده معاندان نتوانند شخصیت شهید سلیمانی را جدای از گفتمان انقلاب اسلامی معرفی کنند.
۴. در انتخاب و ارزیابی کارگزاران نظام اسلامی و نیز در طراحی نظام تربیتی نسل جدید، اصول و مولفه های مکتب شهید سلیمانی می باید، محور اصلی باشد.

منابع چاپی:

قرآن کریم ترجمه فولادوند

۱. امام خمینی (ره)، سید روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲. انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن تهران: انتشارات سخن.
۳. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. خداپرستی، فرج الله. (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارس، شیراز: دانشنامه فارس.
۵. دهخدا، علی اکبر ، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا تهران: دانشگاه تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۷. رودگر، محمدجواد، (۱۳۹۹)، سلوک در مکتب شهید سلیمانی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸. زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴)، تاج العروس، بیروت: دارالفکر.
۹. عمید، حسن، (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم.
۱۱. گروه نویسندگان، (۱۳۸۸) تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، قم: صدرا.

منابع تارنما:

۱۳. بیانات امام خامنه ای، سید علی، (۱۳۶۹)، برگرفته از تارنما دفتر نشر و حفظ آثار حضرت آیه الله خامنه ای: ht t ps://f ar si .khanenei .i r /speech-cont ent ?i d=۲۳۱۴
۱۴. تسلیم امام خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۸)، برگرفته از تارنما دفتر نشر و حفظ آثار حضرت آیه الله خامنه ای: ht t ps://f ar si .khanenei .i r /message-cont ent ?i d=۴۴۵۵۴
۱۵. بیانات امام خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۸)، برگرفته از تارنما دفتر نشر و حفظ آثار حضرت آیه الله خامنه ای: ht t ps://f ar si .khanenei .i r /speech-cont ent ?i d=۴۴۶۹۵
۱۶. بیانیه سردار سلیمانی، قاسم، (۱۳۹۵)، برگرفته از تارنما خبرگزاری دانشجو: ۱۷. ht t ps://snn.i r /f a/news/۵۴۲۴۹۱
۱۸. تارنمای واژه یاب
ht t p://www.vaj ehyab.com?q=%D%AV%D%B%D%AA%D%AA%D%AF%D%AV%D%AF+&d=en
۱۹. رشادتی، محمد مهدی، (۱۳۹۸)، حاج قاسم و مکتب مقاومت، بر گرفته از تارنما روزنامه کیهان kayhan.i r /f a/news/۱۸۲۸۹۰
۲۰. مکتب امامین انقلاب اسلامی، (۱۳۹۹)، بر گرفته از بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی
ht t ps://bf ani s.i r //D%AA%DA
۲۱. هدایتی، احمد رضا، (۱۳۹۳)، آشنایی اجمالی با مفهوم مکتب، بر گرفته از تارنما ره توشه
ht t p://r aht ooshe.com?p=۲۳۸۳